



مددکاری اجتماعی اسلامی (گرایش‌ها و رویکردها)

دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی
محمد دهقانی شورکی

تابستان ۱۴۰۵

کاظمی نجف آبادی، مصطفی، ۱۳۵۹ -
مددکاری اجتماعی اسلامی (گرایش‌ها و رویکردها) / مصطفی کاظمی نجف آبادی، محمد دهقانی شورکی؛ ویراستار زینب وطنی؛
با همکاری مؤسسه مددکاری اسلامی بشری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۵.
ده، ۲۲۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۸۲۶؛ جامعه‌شناسی: ۶۲)
بها: ۴۷۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-611-5
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۱۵] - ۲۲۴.
۱. خدمات اجتماعی جنبه‌های مذهبی اسلام. ۲. Social service -- Religious aspects -- Islam. ۳. خدمات
اجتماعی. ۴. Social service. ۵. مددکاری گروهی. ۶. Social group work.
الف. دهقانی شورکی، محمد، ۱۳۷۲. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. مؤسسه مددکاری اسلامی بشری
BP۲۵۴/۱
۲۹۷/۶۵
شماره کتابشناسی ملی
۱۰۵۱۸۷۳۲



مددکاری اجتماعی اسلامی (گرایش‌ها و رویکردها)

مؤلفان: دکتر مصطفی کاظمی نجف آبادی، محمد دهقانی شورکی

ویراستار: زینب وطنی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه مددکاری اسلامی بشری

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۵

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۴۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۶۱۱-۵

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.ب. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

info@rihu.ac.ir

www.rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

نیاز جوامع علمی حوزوی و دانشگاهی به منابع و متون بنیادین در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، به‌ویژه در عرصه‌های میان‌رشته‌ای نوپدید، حقیقتی انکارناپذیر است. برای پاسخ‌گویی به این نیاز ضروری نهادهای پژوهشی می‌توانند با همکاری و هم‌افزایی علمی زمینه‌تدوین و ارائه‌آثاری فاخر و راهگشا را فراهم آورند تا افزون‌بر ارتقای کیفی و کمی پژوهش‌ها از موازی‌کاری جلوگیری شود. براین‌اساس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه مددکاری اسلامی بشری در راستای تحقق این هدف متعالی اثر مشترک خود را با عنوان «مددکاری اجتماعی اسلامی؛ گرایش‌ها و رویکردها» به جامعه علمی کشور تقدیم می‌کند.

این اثر که حاصل مطالعه‌هایی عمیق و نظام‌مند است، به‌مثابه منبعی مرجع و درس‌نامه‌ای پیشرفته طراحی شده است و مطالعه آن به اساتید و پژوهشگران و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم اجتماعی، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و حوزه‌های مرتبط توصیه می‌شود. همچنین این کتاب برای طلاب سطوح عالی حوزوی که دغدغه ورود علمی و عملی به عرصه خدمات اجتماعی را دارند، منبعی سودمند و الهام‌بخش خواهد بود. علاوه‌بر این نهادهای اجرایی و سیاست‌گذار در عرصه‌های مختلف اجتماعی یا دارای واحد مددکاری اجتماعی می‌توانند از رهیافت‌ها و چارچوب‌ها و مبانی کاربردی ارائه‌شده در این پژوهش برای بومی‌سازی و طراحی و ارتقای کیفیت مداخلات و خدمات اجتماعی خود بهره‌مند شوند.

در خاتمه از تمامی استادان و صاحب نظران و پژوهشگران ارجمند تقاضا می شود با ارائه دیدگاه ها و رهنمودها و پیشنهادهای اصلاحی خود، ناشران را در ارتقای کیفیت کتاب حاضر و نیز تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری کنند. همچنین صمیمانه قدردانی می کنیم از زحمات و تلاش های علمی مؤلفان محترم اثر جناب آقای دکتر مصطفی کاظمی نجف آبادی و حجت الاسلام والمسلمین محمد دهقانی شورکی و نیز ارزیاب گرامی حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر خان محمدی که با دقت نظر خود به غنای این اثر افزودند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مؤسسه مددکاری اسلامی بشری

فهرست مطالب

مقدمه	۱
-------------	---

فصل اول: چیستی مددکاری اجتماعی

۱-۱. تعریف مددکاری اجتماعی	۶
۱-۲. تاریخچه مددکاری اجتماعی	۸
۱-۳. تعریف مددکاری اجتماعی اسلامی	۱۴
۱-۴. تعریف مبانی	۱۵
۱-۵. نسبت مبانی و سایر بخش‌ها در مددکاری اجتماعی اسلامی	۱۶
۱-۶. ضرورت بررسی مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی	۱۸
۱-۷. اهداف بررسی مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی	۲۰
۱-۷-۱. اهداف کلان	۲۰
۱-۷-۲. اهداف کاربردی	۲۱
۱-۸. روش این اثر	۲۱
۱-۹. خلاصه فصل	۲۲

فصل دوم: گرایش‌های مددکاری اجتماعی معاصر (فردگرا)

۲-۱. مددکاری اجتماعی بالینی	۲۶
۲-۱-۱. تعریف مددکاری اجتماعی بالینی	۲۷
۲-۱-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی بالینی با سایر گرایش‌ها و حرفه‌های هم‌سو	۲۷
۲-۱-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی بالینی	۳۰
۲-۱-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی بالینی	۳۲
۲-۱-۵. آینده و روندهای نوظهور مددکاری اجتماعی بالینی	۳۴
۲-۲. مددکاری اجتماعی خانواده	۳۵
۲-۲-۱. تعریف مددکاری اجتماعی خانواده	۳۶

۲-۲-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی خانواده با سایر گرایش‌ها و حرفه‌های هم‌سو.....	۳۶
۲-۲-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی خانواده.....	۳۸
۲-۲-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی خانواده.....	۳۹
۲-۲-۵. آینده و روندهای نوظهور مددکاری اجتماعی خانواده.....	۴۱
۲-۳. مددکاری اجتماعی کودک.....	۴۳
۲-۳-۱. تعریف مددکاری اجتماعی کودک.....	۴۳
۲-۳-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی کودک با سایر گرایش‌ها و حرفه‌های هم‌سو.....	۴۴
۲-۳-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی کودک.....	۴۵
۲-۳-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی کودک.....	۴۷
۲-۳-۵. آینده و روندهای نوظهور مددکاری اجتماعی کودک.....	۴۹
۲-۴. مددکاری اجتماعی سالمندی.....	۵۰
۲-۴-۱. تعریف مددکاری اجتماعی سالمندی.....	۵۱
۲-۴-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی سالمندی با سایر گرایش‌ها و حرفه‌های هم‌سو.....	۵۲
۲-۴-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی سالمندی.....	۵۳
۲-۴-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی سالمندی.....	۵۴
۲-۴-۵. آینده و روندهای نوظهور مددکاری اجتماعی سالمندی.....	۵۶
۲-۵. مددکاری اجتماعی اعتیاد.....	۵۸
۲-۵-۱. تعریف مددکاری اجتماعی اعتیاد.....	۵۹
۲-۵-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی اعتیاد با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۵۹
۲-۵-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی اعتیاد.....	۶۱
۲-۵-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی اعتیاد.....	۶۲
۲-۵-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی اعتیاد.....	۶۳
۲-۶. مددکاری اجتماعی مدرسه (آموزش و پرورش).....	۶۴
۲-۶-۱. تعریف مددکاری اجتماعی مدرسه.....	۶۵
۲-۶-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی مدرسه با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۶۵
۲-۶-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی مدرسه.....	۶۶
۲-۶-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی مدرسه.....	۶۷
۲-۶-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی.....	۶۹
۲-۷. مددکاری اجتماعی سلامت.....	۷۱
۲-۷-۱. تعریف مددکاری اجتماعی سلامت.....	۷۲
۲-۷-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی سلامت با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۷۲
۲-۷-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی سلامت.....	۷۳
۲-۷-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی سلامت.....	۷۴
۲-۷-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی سلامت.....	۷۵
۲-۸. خلاصه فصل.....	۷۷

فصل سوم: گرایش‌های مددکاری اجتماعی معاصر (جمع‌گرا)

۳-۱. مددکاری اجتماعی در جوامع روستایی.....	۷۹
۳-۱-۱. تعریف مددکاری اجتماعی جوامع روستایی.....	۸۰
۳-۱-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی جوامع روستایی با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۸۱
۳-۱-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی جوامع روستایی.....	۸۱
۳-۱-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی جوامع روستایی.....	۸۲
۳-۱-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی جوامع روستایی.....	۸۴
۳-۲. مددکاری اجتماعی در جوامع مهاجر.....	۸۵
۳-۲-۱. تعریف مددکاری اجتماعی مهاجرین.....	۸۶
۳-۲-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی مهاجرین با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۸۶
۳-۲-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی مهاجرین.....	۸۷
۳-۲-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی مهاجرین.....	۸۸
۳-۲-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی مهاجرین.....	۸۹
۳-۳. مددکاری اجتماعی در بحران.....	۹۰
۳-۳-۱. تعریف مددکاری اجتماعی بحران.....	۹۱
۳-۳-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی بحران با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۹۲
۳-۳-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی بحران.....	۹۳
۳-۳-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی بحران.....	۹۴
۳-۳-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی بحران.....	۹۶
۳-۴. مددکاری اجتماعی محیط‌زیست.....	۹۸
۳-۴-۱. تعریف مددکاری اجتماعی محیط‌زیست.....	۹۹
۳-۴-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی محیط‌زیست با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۹۹
۳-۴-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی محیط‌زیست.....	۱۰۰
۳-۴-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی محیط‌زیست.....	۱۰۱
۳-۴-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی محیط‌زیست.....	۱۰۲
۳-۵. مددکاری اجتماعی عدالت کیفری (قضاوت).....	۱۰۳
۳-۵-۱. تعریف مددکاری اجتماعی عدالت کیفری.....	۱۰۵
۳-۵-۲. تفاوت مددکاری اجتماعی عدالت کیفری با سایر گرایش‌های هم‌سو.....	۱۰۵
۳-۵-۳. اهداف و مأموریت‌های مددکاری اجتماعی عدالت کیفری.....	۱۰۶
۳-۵-۴. مروری بر تاریخ مددکاری اجتماعی عدالت کیفری.....	۱۰۷
۳-۵-۵. آینده و روندهای نوظهور در مددکاری اجتماعی.....	۱۰۹
۳-۶. خلاصه فصل.....	۱۱۰

فصل چهارم: گرایش‌های مددکاری اجتماعی براساس منابع اسلامی

۴-۱. مقاصد شریعت.....	۱۱۳
۴-۱-۱. تعریف مقاصد شریعت.....	۱۱۴
۴-۱-۲. سطوح مقاصد شریعت.....	۱۱۴
۴-۱-۳. روش‌های کشف مقاصد.....	۱۱۵
۴-۱-۴. چالش‌های معرفت‌شناختی، روشی و ساختاری در کاربرست فقه مقاصدی در فقه شیعه.....	۱۱۵
۴-۱-۵. راهکارهای برون‌رفت از موانع معرفتی، روشی و هویتی مقاصدگرایی.....	۱۱۸
۴-۲. گرایش‌های اصول‌محور (ثابت) مددکاری اجتماعی اسلامی.....	۱۲۲
۴-۲-۱. گرایش‌های ثابت مددکاری اجتماعی مبتنی بر غرض کلان هویتی شریعت.....	۱۲۳
۴-۲-۱-۱. مددکاری اجتماعی آگاهی بخشی.....	۱۲۶
۴-۲-۱-۲. مددکاری اجتماعی تعهد وجودی.....	۱۲۹
۴-۲-۱-۳. مددکاری اجتماعی پیوندگرا.....	۱۳۱
۴-۲-۱-۴. مددکاری اجتماعی نظام‌ساز.....	۱۳۴
۴-۲-۱-۵. تعامل میان چهار گرایش در قالب یک نظام منسجم رشد متعالی.....	۱۳۶
۴-۲-۱-۶. شاخص‌های سنجش تحقق در هر گرایش برای ارزیابی رشد متعالی.....	۱۳۷
۴-۲-۲. گرایش‌های ثابت مددکاری اجتماعی مبتنی بر اغراض میانی هویتی شریعت.....	۱۳۸
۴-۲-۲-۱. مددکاری اجتماعی مدیریت ارتباطات فرمادی (معنویت).....	۱۴۴
۴-۲-۲-۲. مددکاری اجتماعی خانواده.....	۱۴۷
۴-۲-۲-۳. مددکاری اجتماعی تقدیر معیشت (اقتصادی).....	۱۴۹
۴-۲-۲-۴. مددکاری اجتماعی قضایی.....	۱۵۱
۴-۲-۲-۵. مددکاری اجتماعی آزادی‌خواهی و کرامت انسانی.....	۱۵۲
۴-۲-۲-۶. مددکاری اجتماعی سلامت.....	۱۵۶
۴-۲-۲-۷. مددکاری حکمرانی و دولت.....	۱۵۹
۴-۲-۲-۸. مددکاری اجتماعی زیست‌بوم‌مدار.....	۱۶۰
۴-۲-۳. گرایش‌های ثابت مددکاری اجتماعی مبتنی بر اغراض خرد هویتی شریعت.....	۱۶۳
۴-۲-۳-۱. مددکاری اجتماعی بازار.....	۱۶۴
۴-۲-۳-۲. مددکاری اجتماعی عدالت اثباتی.....	۱۶۵
۴-۲-۳-۳. مددکاری اجتماعی جمعیت.....	۱۶۷
۴-۳. گرایش‌های اقتضایی (متغیر) مددکاری اجتماعی اسلامی.....	۱۶۹
۴-۳-۱. مددکاری اجتماعی جنگ و جهاد.....	۱۷۱
۴-۳-۲. مددکاری اجتماعی بحران.....	۱۷۳
۴-۴. خلاصه فصل.....	۱۷۵

فصل پنجم: رویکردهای عمده در مددکاری اجتماعی

۱-۵. تعریف نظریه و رویکرد.....	۱۷۸
۲-۵. نسبت نظریه‌ها و رویکردها در مددکاری اجتماعی.....	۱۸۰
۳-۵. رویکردهای مددکاری اجتماعی.....	۱۸۱
۱-۳-۵. تقسیم نخست، رویکردهای مددکاری اجتماعی براساس سطح مداخله.....	۱۸۴
۱-۱-۳-۵. رویکرد فردمحور؛ مبتنی بر اصل احترام به اراده و انتخاب مددجو.....	۱۸۴
۲-۱-۳-۵. رویکرد روان‌شناختی در مددکاری اجتماعی.....	۱۸۶
۳-۱-۳-۵. رویکرد اجتماعی ساختاری مددکاری اجتماعی.....	۱۸۷
۲-۳-۵. تقسیم دوم، رویکردهای مددکاری اجتماعی با توجه به کیفیت ارتباط مددکار با مددجو.....	۱۹۰
۱-۲-۳-۵. رویکرد توانمندساز؛ تمرکز بر ظرفیت‌سازی مددجو برای کنش مستقل.....	۱۹۰
۲-۲-۳-۵. رویکرد مبتنی بر نقاط قوت؛ تمرکز بر توانمندی‌ها و منابع درونی و بیرونی مددجو.....	۱۹۱
۳-۲-۳-۵. رویکرد نظام‌محور؛ تحلیل وضعیت مددجو در درون نظام‌های اجتماعی و بین‌فردی.....	۱۹۲
۴-۲-۳-۵. رویکرد ضدستم؛ حساس به نابرابری‌های ساختاری و مبتنی بر عدالت اجتماعی.....	۱۹۴
۳-۳-۵. تقسیم سوم، رویکردهای مددکاری اجتماعی براساس ادوار تاریخی.....	۱۹۵
۱-۳-۳-۵. دوره خیریه و اصلاح‌طلبی (قرن نوزدهم).....	۱۹۵
۲-۳-۳-۵. دوره روان‌پزشکی و روان‌کاوی (اوایل قرن بیستم).....	۱۹۶
۳-۳-۳-۵. دوره رفتارگرایی (دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰).....	۱۹۸
۴-۳-۳-۵. دوره سیستم‌ها و اکوسیستم‌ها (دهه‌های ۱۹۶۰ به بعد).....	۲۰۰
۵-۳-۳-۵. دوره چندفرهنگی و تنوع (دهه‌های ۱۹۷۰ به بعد).....	۲۰۳
۶-۳-۳-۵. دوره معاصر (دهه‌های ۱۹۸۰ به بعد).....	۲۰۴
۴-۵. مددکاری اجتماعی اسلامی؛ نظریه یا رویکرد.....	۲۰۶
۱-۴-۵. مددکاری اجتماعی اسلامی به عنوان نظریه نوین.....	۲۰۷
۲-۴-۵. مددکاری اجتماعی اسلامی و امکان بهره‌وری به‌مثابه رویکرد.....	۲۱۰
۵-۵. خلاصه فصل.....	۲۱۳
فهرست منابع.....	۲۱۵

مقدمه

بی‌گمان حرفه مددکاری اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخه‌های متعهد و اثرگذار در گستره علوم انسانی و اجتماعی، رسالتی خطیر و پیچیده را در مواجهه با مسائل چندبُعدی و فزاینده جهان معاصر بر دوش می‌کشد. گستره این مسائل از نابرابری‌های ساختاری و تبعیض‌های نظام‌مند گرفته تا پدیده‌های نوظهور روانی اجتماعی و بحران‌های اخلاقی ضرورت ارائه خدماتی هدفمند و نظام‌یافته و مبتنی بر چارچوبی استوار را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در این میان آنچه می‌تواند پشتوانه‌ای مطمئن برای حرکت در این مسیر دشوار فراهم آورد، تمسک به «مبانی» ای استوار و خردورزانه است؛ مبانی‌ای که نه فقط نقشه راه کنش حرفه‌ای را ترسیم می‌کنند، غایت و جهت‌گیری این مسیر را نیز تعیین می‌کنند. متأسفانه در بسیاری از جغرافیاهای فکری تحت سیطره جریان‌های اثبات‌گرایی افراطی، این مبانی نظری و فلسفی به حاشیه رانده شده‌اند و جای خود را به ابزارهای کمی و راهکارهای مقطعی داده‌اند. این تقلیل‌گرایی، مددکاری اجتماعی را از غنای تحلیلی لازم محروم ساخته است و توانایی‌اش را برای مواجهه خلاقانه با مسائل پیچیده انسانی تضعیف کرده است. این خلأ به‌ویژه در قلمروی «مددکاری اجتماعی اسلامی» که خود را متعهد به تلفیق حکمت‌های جاودانه اسلامی با دستاوردهای مددکاری معاصر می‌داند، آسیب‌زاتر و نیازمند توجهی جدی‌تر است؛ ازاین‌رو اثر حاضر با عزمی راسخ و با اتکا به منظری بنیادین پا در عرصه پژوهش نهاده است تا سهمی در تدوین و تبیین مباحثی از «مبانی کاربردی مددکاری اجتماعی اسلامی» ایفا کند و چارچوبی یکپارچه و نظام‌مند برای فهم پدیده‌های اجتماعی و طراحی مداخلاتی مشروع و مؤثر و پایدار ارائه دهد.

هدف کلان این مجلد فراتر از توصیف وضعیت موجود، توسعه مرزهای دانش در این عرصه

است. این اثر در پی آن است تا با استناد به مباحثی عمیق در حوزه فلسفه، نظریه، روش‌شناسی و عمل، مددکاری اجتماعی اسلامی را نه به مثابه رویکردی فرعی یا التقاطی، بلکه به عنوان نظریه‌ای کامل و مستقل به جامعه علمی معرفی کند؛ نظریه‌ای که از استقلال مفهومی و جامعیت تحلیلی و ساختاری نظام‌مند برخوردار است. این کتاب با واکاوی گرایش‌ها و رویکردهای مددکاری اجتماعی که بخشی از مبانی کاربردی این حرفه به شمار می‌آید، درصدد است تا نقشه‌ای معناشناختی ارائه کند که قوام و شکل‌گیری این حرفه را براساس آموزه‌های اسلامی و اصول الهی تبیین می‌کند. در این مسیر اثر حاضر می‌کوشد تغییراتی در دانش و نگرش خواننده حرفه‌ای اعم از پژوهشگر و استاد و دانشجو ایجاد نماید: نخست، با ارائه درکی عمیق‌تر از منطق معرفتی متمایز مددکاری اجتماعی اسلامی و مقایسه آن با رویکردهای متعارف؛ دوم، با دگرگونی نگرش به «تخصصی شدن» و معرفی آن به مثابه عرصه تجلی اهداف غایی شریعت در زیست انسانی و نه صرفاً پاسخی به نیازهای اثبات‌شده اجتماعی؛ سوم، با توسعه مهارت‌های عملیاتی مبتنی بر اصول ثابت اسلامی به گونه‌ای که مداخلاتی طراحی شده از پایداری و اثرگذاری لازم برخوردار باشند.

پشتوانه علمی این اثر بر رویکردی بنیادین و تحلیلی توصیفی استوار است که هدف غایی آن «تولید نظریه» و گسترش قلمروهای دانش است، نه بازتولید یا انطباق صرف با الگوهای موجود. این رویکرد، هویت علمی کتاب را به عنوان چارچوبی کل‌نگر و نظام‌مند تثبیت می‌کند. مبانی نظری این پژوهش به طور مستقیم از منابع اصیل اسلامی یعنی قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و میراث غنی فقهی و کلامی و فلسفی و نیز از پژوهش‌های پیشین در حوزه‌های مرتبط استخراج شده‌اند. در این ساختار فکری مبانی نظری و مبانی کاربردی، که این مجلد بخشی از دومی را تشکیل می‌دهد، در پیوندی ناگسستنی با یکدیگر قرار دارند. افزون‌بر این ماهیت میان‌رشته‌ای مددکاری اجتماعی نویسندگان را بر آن داشته است تا از دانش حوزه‌های گوناگونی چون حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، الهیات و علوم تربیتی بهره گیرند.

ساختار این کتاب در پنج فصل طراحی شده است تا خواننده را در مسیری منطقی از شناخت مبانی کلی به تحلیل وضعیت موجود و در نهایت به نظریه‌پردازی و عمل رهنمون سازد. فصل اول با عنوان «مفاهیم و کلیات مددکاری اجتماعی» به تعریف و تاریخچه و تبیین مبانی نظری و کاربردی این حرفه می‌پردازد و پلی بین مباحث فلسفی و عرصه عمل می‌زند. فصل دوم و سوم با عنوان «گرایش‌های مددکاری اجتماعی معاصر» با بررسی گرایش‌های

شناخته شده جهانی از بالینی و خانواده تا سالمندی و اعتیاد و محیط زیست، زمینه تطبیقی لازم را برای درک تمایزهای مدل اسلامی فراهم می آورد. فصل چهارم و پنجم که قلب تپنده این مجلد محسوب می شوند، با عنوان «گرایش های اجتماعی اسلامی» و «رویکردهای مددکاری اجتماعی» به تبیین منطق معرفتی تخصصی شدن بر مبنای «مقاصد شریعت» می پردازد. در این فصل ها گرایش های ثابت مانند گرایش های چهارگانه رشد متعالی و گرایش های ناظر به نهادهای اساسی چون خانواده و اقتصاد در کنار گرایش های اقتضایی مانند مددکاری جنگ و بحران تحلیل می شود و همچنین پس از تبیین رویکردهای مختلف مددکاری اجتماعی و تقسیم نوآورانه آن خواننده را به درکی ژرف از مددکاری اجتماعی اسلامی به مثابه نظریه می رساند و از ظرفیت نظریه پردازی مددکاری اجتماعی اسلامی پرده برمی دارد.

ویژگی های برجسته و نوآوری های این اثر را می توان در چند محور خلاصه کرد: نخست، نگاه بومی اسلامی و نظریه ساز که این حرفه را به مثابه نظامی مستقل و جامع معرفی می کند؛ دوم، رویکرد اخلاقی فقهی مبتنی بر «مقاصد شریعت» که منطق شکل گیری گرایش ها را دگرگون ساخته است؛ سوم، ارائه مدل ساختاری نظام ساز رشد متعالی که فرایند تحول انسان را از سطح فردی تا اجتماعی ترسیم می کند؛ چهارم، جامعیت رویکرد و تلفیق میان رشته ای که به مددکار امکان می دهد تا به ریشه های چندبعدی مسائل بپردازد؛ پنجم، تأکید بر کاربردی سازی مبانی نظری و ارائه سازوکارهای عملیاتی برای طراحی مداخلاتی پایدار. این ویژگی ها کتاب حاضر را از اثری صرفاً توصیفی فراتر می برد و به منبعی راهبردی برای تحلیل نظری و عمل اجتماعی بدل می سازد. در خاتمه بر خود فرض می دانیم تا از حمایت های بی دریغ معاونت پژوهش پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که بستر اولیه این تحقیق را فراهم آورد و همچنین معاونت علمی مؤسسه مددکاری اسلامی بشری که در نشر و ترویج این گفتمان مساعدت کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. راهنمایی های ارزنده ارزیاب محترم، آقای دکتر خان محمدی، نیز در ارتقای کیفیت فنی و علمی اثر نقشی بسزا ایفا کرد. این اثر به عنوان متنی مرجع، همواره نیازمند نقد و تأمل اهل فن است؛ از این رو از همه استادان و پژوهشگران و خوانندگان گرامی تقاضا داریم با ارائه نظرات سازنده خود ما را در غنابخشی بیشتر به این مجلد در ویراست های آینده یاری کنند. امید است این تلاش گامی هرچند کوچک در جهت اعتلای دانش و عمل در حوزه مددکاری اجتماعی اسلامی و خدمتی شایسته به جامعه علمی کشور باشد.

فصل اول

چیستی مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی به مثابه دانشی کنشگر و مسئله محور، همواره در تعامل با بسترهای فرهنگی و دینی و فلسفی جوامع مختلف بوده است. صورت بندی این حرفه در چارچوب جهان بینی اسلامی نه تنها امکان نظری که ضرورتی عملی برای پاسخ گویی به نیازهای جوامع مسلمان و غنابخشی به گفتمان جهانی این رشته به شمار می آید. مسئله محوری فصل اول فراتر از ارائه تعاریف پراکنده، استنتاج و صورت بندی نظام مند «مددکاری اجتماعی اسلامی» به عنوان پارادایمی مستقل است. برای دستیابی به این هدف، فصل پیش رو در مسیری روش مند و فرایندی سازمان یافته است. در گام نخست با مروری بر تعریف مددکاری اجتماعی در گستره جهانی، خواننده با هسته مشترک این حرفه، اعم از تمرکز بر تعامل فرد و محیط و توانمندسازی و عدالت اجتماعی آشنا می شود. این بسترسازی ضرورت و جایگاه نوآوری در رویکردهای خاص را آشکار می سازد. در ادامه با واکاوی تاریخچه مددکاری اجتماعی، این حرفه در بستر تحول های خود از ریشه های مذهبی و قوانین اولیه رفاهی تا نهادینه شدن آکادمیک و حرفه ای قرار می گیرد. این گذار تاریخی نشان می دهد که مددکاری اجتماعی همواره متأثر از ارزش ها و باورهای مسلط جامعه بوده است و بنابراین ظرفیت خوبی برای بومی سازی و بازتعریف مبتنی بر آموزه های دینی دارد. در قلب این فصل تعریف مددکاری اجتماعی اسلامی ارائه می شود. در این بخش تأکید بر این است که این رویکرد با حفظ اشتراک در «موضوع» و «اهداف نظری» با مددکاری اجتماعی جهانی، در سایر مؤلفه های شکل دهنده دانش، از فلسفه و مبانی نظری گرفته تا اصول و ارزش ها و روش ها، از منظومه معرفتی اسلام بهره می گیرد. تمایز اصلی این پارادایم در تبیین مبانی آن نهفته است. از این رو فصل پیش رو به شکلی دقیق به تعریف مبانی و

تفکیک سطوح نظری و کاربردی آن می‌پردازد. در گام نهایی برای توجیه عقلانی کل این پروژه ضرورت بررسی مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی از توسعه دانش بومی تا ارتقای اثربخشی عملی و سپس اهداف این بررسی در دو سطح کلان، مانند ارائه چارچوبی یکپارچه و تربیت مددکاران متخصص، و کاربردی، مانند تحلیل گرایش‌ها و تبیین اصول و بررسی چالش‌های عملی تشریح می‌شود.

۱-۱. تعریف مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی از دیرباز موضوع مباحثه‌ها و تعریف‌های متنوعی در میان اندیشمندان این حوزه بوده است. تنوع رویکردها و دیدگاه‌ها در تعریف این حرفه نشان از پیچیدگی و گستردگی آن دارد. هدف از ارائه این تعاریف در این بخش ایجاد درکی جامع‌تر از ماهیت و ابعاد مختلف مددکاری اجتماعی و آشنایی با دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران این حوزه، همچنین بسترسازی جهت درک بهتر مفهوم «مددکاری اجتماعی اسلامی» است.

با توجه به تنوع تعریف‌های موجود به‌سادگی نمی‌توان به تعریفی جامع و قطعی از مددکاری اجتماعی دست یافت. هریک از این تعاریف بر جنبه‌های خاصی از این حرفه تأکید می‌کنند و ممکن است تفاوت‌هایی در نحوه نگرش آن‌ها به مفاهیم کلیدی مانند توانمندسازی و عدالت اجتماعی و نقش مددکار اجتماعی وجود داشته باشد. ارزیابی و مقایسه این تعاریف و تعیین میزان صحت و کاربردی بودن آن‌ها، مستلزم بررسی دقیق و همه‌جانبه آن‌هاست. خواننده محترم می‌تواند با مطالعه و تحلیل این تعاریف به درک عمیق‌تری از ماهیت مددکاری اجتماعی دست یابد و نقاط مشترک و تفاوت‌های آن‌ها را شناسایی کند. تعاریف متعددی که برای این حرفه بیان شده است این‌گونه تقسیم‌بندی و بیان می‌شود:

۱. توانمندسازی فرد

- مددکاری اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا بتوانند استعدادها و توانایی‌های خود را بهتر بشناسند و از آن‌ها برای هرچه بهتر شدن زندگی خود بهره گیرند.
- مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که به ارائه راهکارهایی برای حل مسئله و مشکل افراد و ارتقای روابط انسانی بین اشخاص و توانمندسازی آن‌ها به منظور افزایش سطح رفاه اجتماعی می‌پردازد.

۲. بهبود روابط اجتماعی و تعامل‌ها

- مددکاری اجتماعی به تساوی حقوق افراد با یکدیگر اهمیت فراوانی می‌دهد و سعی بر ایجاد این برابری و مساوات در افراد جامعه دارد. مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که از طریق تلاش برای برقراری تعامل بین شخص و محیط زندگی او و به‌منظور بهبود وضعیت زندگی‌اش و تسهیل فرایند رشدش با مداخله حرفه‌ای پدید آمده است.
- مددکاری اجتماعی دربرگیرنده برنامه‌ای هدفمند و اخلاقی از مهارت‌های شخصی در روابط میان‌فردی است که منجر به بهبود عملکرد فردی و اجتماعی شخص و به‌دنبال آن بهبود عملکرد خانواده یا گروه یا جامعه شده است.

۳. ایجاد تغییرات اجتماعی و ارتقای رفاه

- مددکاری اجتماعی حرفه‌ای، ترویج تغییر اجتماعی و حل مسئله در روابط انسانی و توانمندسازی افراد جامعه به‌منظور دستیابی به رفاه بیان شده است.
- مددکاری اجتماعی خدمتی حرفه‌ای است که براساس دانش و مهارت‌های ویژه بنا شده است و هدف آن کمک به افراد و گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند استقلال شخصی و اجتماعی و رضایت خاطر فردی و اجتماعی را به دست آورند.

۴. رفع نیازها و مشکلات اجتماعی

- مددکاری اجتماعی یعنی کمک به افراد محروم جامعه و افزایش رفاه عمومی اعضای آن جامعه است.
- مددکاری اجتماعی حرفه‌ای برای کمک به بهبود زندگی مردم است.

۵. تعامل فرد با محیط

- مددکاری اجتماعی به‌معنای برقراری ارتباط مطلوب بین افراد و محیط‌زیست آن‌ها و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در استفاده‌کردن از امکانات و منابع جامعه به‌صورت عادلانه برای همه مردم تعریف شده است.
- باتلث تعریفی از مددکاری اجتماعی براساس عملکرد این حرفه بیان کرد، بدین مضمون که مددکاری اجتماعی ایجاد تعامل بین فرد و محیط‌زیست او است.

۲-۱. تاریخچه مددکاری اجتماعی

تاریخچه مددکاری اجتماعی را باید در تاریخ^۱ و مذهب و ادیان الهی جست‌وجو کرد، چراکه مددکاری اجتماعی به‌عنوان هنر و علم و حرفه از زمان‌های بسیار دور و بنابر آنچه از ادیان الهی استنباط می‌شود، از زمان پیدایش انسان روی زمین و شروع زندگی اجتماعی او آغاز شده است. با مطالعه کتب و آنچه از مذاهب و تمام ادیان الهی برجا مانده است، به سابقه و اهمیت مددکاری اجتماعی پی می‌بریم. در تمام کتاب‌های آسمانی، از جمله قرآن کریم، انجیل، تورات و غیره، توصیه‌ها و سفارش‌های زیادی در زمینه کمک‌رسانی و یاری کردن به هم‌نوع به چشم می‌خورد. هرچند در ابتدا این یاری‌رسانی بیشتر در قالب کمک‌های مردمی و با نام‌هایی همچون صدقات و خیرات صورت می‌گرفت، مسلماً معنای واقعی این دستورها و سفارش‌ها چیزی بیش از صرفاً امداد مالی اغنیا به فقرا بوده است؛ معنایی که پس از گذشت سالیان بی‌شمار اکنون به اشکال مختلف و چه‌بسا در قالب حرفه‌های گوناگونی، از جمله مددکاری اجتماعی، هویت اصلی و مفهوم واقعی خود را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی در رشد و تکامل حرفه مددکاری اجتماعی به‌شکل امروزی آن، سه دسته از عوامل تأثیر مستقیم و چشمگیری داشته‌اند:

۱. مذهب؛^۲

۲. اقتصاد؛^۳

۳. سیاست^۴ (بریلند، ۱۹۹۵).

در جوامع مختلف رشد و تحول این رشته به شکل‌های گوناگونی صورت گرفته است؛ به‌طور مثال در کشور انگلستان پس از سپری شدن دوره وسطی دولتمردان تلاش کردند که از شدت فقر و بزهکاری و آسیب اجتماعی بکاهند. به همین منظور قوانینی در عصر الیزابت در سال ۱۶۰۱ با حمایت کلیساها از فقرا تصویب شد. این قانون که بعدها به نام «قانون فقرا»^۵ یا

1. History of Social Work.

2. Religion.

3. Economic situation.

4. Policy.

5. Poor Law.

«اصل ۴۳ الیزابت» شناخته شد، برای مددکاران اجتماعی شناخته شده ترین و معروف ترین قانون تصویب شده است و از عوامل اساسی شکل گیری حرفه مددکاری اجتماعی به شکل تقریباً امروزی آن به شمار می آید.

در آن زمان این قانون هر حکومت محلی را مسئول فقرا و سالمندان و معلولین حوزه کاری خودش می کرد. مواد عمده این قانون به شرح زیر رقم خوردند:

- هر ساله دادگاه های هر ناحیه ای از بین سرپرستان کلیسا و برخی از افراد خانواده های مهم و مشهور، مسئولانی برای نظارت بر امور فقرای آن ناحیه انتخاب می کردند.

- هر حکومت محلی هزینه و وجوه مالی برای اجرای این قوانین را می بایست از طریق گرفتن مالیات از افراد تأمین کند. اگر حکومت محلی نمی توانست وجوه مالی لازم این کار را از طریق مالیات تأمین کند، این اجازه را داشت که از سایر نواحی یا حکومت مرکزی درخواست کمک مالی کند.

- این مسئولان موظف بودند افرادی که توانایی کافی برای کار و اشتغال داشتند را شناسایی و به کار گیرند و همچنین مقدمات کارآموزی و کارگاه های آموزشی لازم را برای کودکان و نوجوانان سالم از نظر جسمی و روانی فراهم سازند و مهارت های ضروری در زمینه اشتغال زایی را به آنها آموزش دهند.

- به مقام های محلی این اجازه داده شد تا با شناسایی و جلب رضایت افراد و مالکان دارای املاک بایر که عموماً از اشراف و ثروتمندان بودند، زمینه ساخت و ایجاد اردوگاه های کار را برای اشتغال و اسکان افراد متکدی در آن املاک فراهم سازند. در این قانون مصوب شده بود که اعضای خانواده در قبال یکدیگر مسئول هستند و مسئولیت نگهداری افراد خانواده، به عنوان مثال نگهداری فرزندان بر عهده والدین و در صورت نبود والدین بر عهده پدر بزرگ یا دیگر افراد درجه یک فامیل مانند عمو، دایی، خاله، عمه و مادر بزرگ و همچنین نگهداری والدین کهنسال بر عهده فرزندان قرار می گرفت. حکومت های محلی فقط ملزم شدند مبالغی را به عنوان کمک هزینه به آنها پرداخت کنند.

- دادگاه ها موظف به ایجاد زندان های عمومی و نگهداری از افراد مجرم در آن شدند که خود این دادگاه ها و زندان ها زیر نظر ناظران حکومتی فعالیت می کردند.

● باوجود اینکه این قوانین در حدود سیصد سال بعد پایه اصلی تدوین قوانین جدید برای حمایت از قشر ضعیف جامعه در اروپا و آمریکا شدند، در خود انگلستان وضع به گونه‌ای دیگر پیش رفت؛ چراکه پس از گذشت چند سال از تصویب «قانون فقرا» یا «اصل ۴۳ الیزابت» و اجرایش متوجه شدند که افراد بیشتری به سمت تکدی‌گری و درخواست کمک از حکومت محلی و به خصوص کلیساها روی می‌آورند. حتی افراد سالم و دارای توانایی جسمی و روحی و روانی نیز خود را به درماندگی و تکدی می‌زدند و برای گرفتن کمک‌هزینه‌های زندگی یا به عبارت بهتر برای صدقه گرفتن به حکومت‌های محلی یا کلیساها مراجعه می‌کردند و از کار و تلاش در راستای ایجاد زندگی سالم خودداری می‌کردند (پیکارد، ترجمه میربهاء، ۱۳۷۳).

در سال ۱۶۶۲ «قانون اسکان» که یکی از مشتقات قانون فقرا شمرده می‌شد، به تصویب رسید. به موجب این قانون افراد تازه‌وارد به هر ناحیه که متقاضی دریافت کمک‌های مالی و کاری بودند و نمی‌توانستند به طور مستقل نیازهای خود را برطرف سازند، براساس حکم دادگاه به محل تولد یا محل زندگی قبلی خود برگردانده شده و در آنجا اسکان داده می‌شدند.

در سال ۱۶۹۶ «قانون اردوی کار» که از دیگر مشتقات قانون فقرا بود، در انگلستان تصویب شد. به موجب این قانون کسانی می‌توانستند از خدمات و حمایت‌های حکومت محلی خود بهره‌مند شوند که مدت زمان مشخصی ساکن آن منطقه بوده باشند.

در سال ۱۶۹۷ در بریستول^۱ به منظور توسعه «قانون اردوی کار» به افرادی که معمولاً از قشر ثروتمند جامعه بودند، اجازه تأسیس مؤسسه‌های کارآفرینی‌ای را دادند که به صورت خصوصی اداره می‌شد. این قانون به شرح زیر رقم خورد:

در سال ۱۷۸۲ قانون گیلبرت^۲ در انگلستان به تصویب رسید. هدف این قانون ایجاد سرپناه و اشتغال برای افراد فقیر جامعه بود. براساس این قانون دولت موظف می‌شد افراد بی‌بضاعت را به کار بگیرد و حقوقی بابت کار به آن‌ها پرداخت کند.

در سال ۱۷۹۵ قانون اردوی کار اصلاح شد. براساس این اصلاحیه افراد تازه‌وارد به اردوگاه کار که متقاضی کمک‌های مالی بودند، باید به محل زندگی خود بازگردانده می‌شدند و با کارفرمایان محلی قرارداد کار می‌بستند. بدین ترتیب این افراد می‌توانستند هزینه‌های زندگی خود

1. Bristol.

2. Gilbert Act.

را از طریق کار تأمین کنند. همچنین در همین سال برای نخستین بار در جهان سیستمی برای تعیین خط فقر براساس قیمت نان و تعداد افراد خانواده و میزان دستمزد دریافتی هر خانواده پایه‌ریزی شد. این سیستم به دولتمردان امکان داد که فقر و بی‌بضاعتی را بهتر تعریف کنند و افراد فقیر را شناسایی کنند.

در قرن نوزدهم که قرن اصلاح قوانین شناخته می‌شود، تلاش‌های گسترده‌ای برای بهبود قوانین پیشین صورت گرفت، از جمله: کاهش فاصله طبقاتی، کاهش فقر و بیکاری، ارائه خدمات ویژه به محله‌های فقیرنشین، پیشگیری از بیماری‌ها، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و افزایش سطح دانش و سواد افراد جامعه. همچنین تشکیل انجمن‌های خیریه که علاوه بر فراهم‌سازی زمینه اشتغال به حل مشکلات فردی اعم از روحی و روانی و جسمانی افراد کمک می‌کردند، از دستاوردهای این دوران بود.

در سال ۱۸۸۷ در کانادا کمیسیون سلطنتی به نام «رویال» تشکیل شد. هدف این کمیسیون بهبود روابط بین کارفرما و کارگر، استفاده صحیح از سرمایه برای ایجاد اشتغال، کمک به قشر کارگر و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان بود.

در سال ۱۸۸۹ برای نخستین بار در شیکاگو و جین آدامز^۱ و الن گیتس استار^۲ مرکزی به نام «هال‌هاوس»^۳ تأسیس کردند. هدف این مرکز ارائه خدمات مددکاری اجتماعی به افراد جامعه به شیوه‌ای نوین و امروزی بود. این مرکز همچنان قوی‌ترین و بانفوذترین مرکز مددکاری اجتماعی در ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود.

در سال ۱۸۹۷ نخستین مدرسه مددکاری اجتماعی وابسته به دانشگاه نیویورک تأسیس شد. این مدرسه که بعدها به دانشکده مددکاری اجتماعی دانشگاه کلمبیا تبدیل شد، برای نخستین بار برنامه‌های آموزشی مدون و کارگاه‌های آموزشی و بازدیدهایی از مناطق فقیرنشین را برای علاقه‌مندان این رشته فراهم کرد و بر کسب علم و تجربه به طور هم‌زمان تأکید می‌کرد. در سال ۱۸۹۹ هربرت ایمز^۴ مطالعات خود را در زمینه فقر در انتشارات مونترال منتشر کرد.

1. Jane Addams.

2. Ellen Gates Starr.

3. Hull House.

4. Herbert Ames.

این مطالعات آگاهی جامعه از وضعیت نیازمندان را افزایش داد و ضرورت حضور حرفه مددکاری اجتماعی در جامعه را پررنگ‌تر کرد.

در سال ۱۹۰۰ سایمون پتن^۱ مرکزی شبیه به کلینیک‌های مددکاری اجتماعی و مشاوره روان‌شناسی مدرن تأسیس کرد. این مرکز به افراد کمک می‌کرد تا مشکلات خود را حل و فصل کنند.

در سال ۱۹۱۵ آبراهام فلکسندر^۲ در کنفرانس ملی رفاه اجتماعی^۳ اعلام کرد که مددکاری اجتماعی هنوز نمی‌تواند به عنوان حرفه و علمی مستقل پذیرفته شود؛ چراکه فاقد قوانین، اصول کاری، کتاب‌های علمی و تکنیک‌های آموزشی لازم است.

در سال ۱۹۱۷ مری ریچموند^۴ در پاسخ به نقدهای فلکسندر نخستین کتاب خود را با عنوان «تشخیص‌های اجتماعی» منتشر کرد. این کتاب اولین اثر سازمان‌یافته و مدون در زمینه مددکاری اجتماعی محسوب می‌شود.

در سال ۱۹۱۹ تعداد مدارس مددکاری اجتماعی در ایالات متحده آمریکا و کانادا به هفده عدد رسید. در همین سال انجمن مدارس آموزش مددکاری اجتماعی آمریکا^۵ (aassw) با هدف توسعه و استانداردسازی آموزش در این رشته تأسیس شد. این انجمن بعدها به «شورای آموزش مددکاری اجتماعی»^۶ (cswe) تغییر نام داد (لیبیوی، ۱۹۷۸).

در سال ۱۹۲۸ نخستین فدراسیون بین‌المللی مددکاری اجتماعی^۷ (IFSW) در کانادا به ریاست دکتر رنه سند^۸ تأسیس شد (لیبیوی، ۱۹۷۸).

در سال ۱۹۳۷ انجمن مدارس مددکاری اجتماعی آمریکا برای نخستین بار اعلام کرد که دوره تحصیلی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی باید دوساله باشد (لیبیوی، ۱۹۷۸).

1. Simon N. Patten.

2. Abraham Flexner.

3. National Conference on Social Welfare.

4. Mary Richmond.

5. American Association of School of Social Work (AASSW).

6. Council on Social Work Education (CSWE).

7. International Federation of Social Workers (IFSW).

8. Dr. René Sand.

در سال ۱۹۵۲ سازمان شورای آموزش مددکاری اجتماعی (CSWE) از ادغام انجمن مدارس مددکاری اجتماعی آمریکا (AASSW) و انجمن ملی مدرسه مددکاری اجتماعی (NASSW) تشکیل شد (لیبیوی، ۱۹۷۸).

در سال ۱۹۵۹ ورنر بوهم^۱ پنج شاخه اصلی مددکاری اجتماعی را معرفی کرد:

۱. مددکاری فردی؛

۲. مددکاری گروهی؛

۳. مددکاری جامعه‌ای؛

۴. مددکاری مدیریتی؛

۵. مددکاری پژوهشی (لیبیوی، ۱۹۷۸).

در سال ۱۹۷۷ انجمن مددکاری اجتماعی کانادا منشور اخلاقی مددکاری اجتماعی را منتشر کرد. این منشور در سال ۱۹۸۳ بازبینی شد و در سال ۱۹۸۴ به عنوان منشور اخلاقی استاندارد در حرفه مددکاری اجتماعی پذیرفته شد (لیبیوی، ۱۹۷۸).

در سال ۱۹۸۷ مرکز انجمن ملی مددکاری اجتماعی (NASW) با همکاری وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های دولتی و غیردولتی فعال در این زمینه فعالیت‌های خود را گسترش داد.

در ایالات متحده آمریکا تغییراتی در سطح آموزش، سیاست‌گذاری اجتماعی، خدمات اجتماعی و تبادل اطلاعات صورت گرفت تا جایگاه حرفه مددکاری اجتماعی ارتقا یابد و رفاه اجتماعی در این کشور بهبود یابد.

به طور خلاصه مددکاری اجتماعی به شکل علمی و نظام‌مند آن از حدود صد سال پیش در انگلستان و اروپا پایه‌ریزی شد و رسمیت یافت. متفکران و متخصصان این حوزه در طول سالیان متمادی توانسته‌اند نظریه‌های علمی این رشته را منسجم کنند و به آن ماهیتی حرفه‌ای ببخشند. امروزه مددکاری اجتماعی از جمله حرفه‌هایی است که علاوه بر نیاز به دانش و معرفت علمی گسترده، به شناخت و آگاهی از سایر نظام‌ها و حوزه‌های مختلف نیز نیازمند است. این حوزه‌ها شامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، حقوق، روان‌پزشکی، مشاوره، توان‌بخشی، تاریخ، الهیات و دیگر زمینه‌ها است. چنین گستردگی دانشی به مددکاران

1. Werner Boehm.

اجتماعی امکان می‌دهد تا با پیچیدگی‌های زندگی انسان در جوامع مدرن و ابعاد گسترده مشکلات و مسائل او، از جمله نابرابری‌ها، تبعیض‌ها، بیماری‌های عجیب و ناشناخته، معلولیت‌های جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی، انحرافات اخلاقی، بیکاری و تهاجم‌های فرهنگی مقابله کنند و اقدام‌های مفید و مؤثری انجام دهند. مددکاری اجتماعی امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرو با توجه به نیازهای متنوع افراد و دامنه گسترده مشکلات، به صورت تخصصی توسعه یافته است. مددکاران متخصص در حوزه‌های مختلف مانند مدارس، کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز نگهداری و بازپروری بیماران روانی، سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات رفاهی و اجتماعی، دادگاه‌ها، زندان‌ها، مراکز پلیس، سازمان‌های امداد رسان و سایر سازمان‌های غیردولتی حضور دارند. این مددکاران به صورت تخصصی به گروه‌های مختلف مانند سالمندان، کودکان، زنان و دختران آسیب‌پذیر، بیماران روانی، معتادان، مجرمان و زندانیان، کودکان و نوجوانان بزه‌کار، خانواده‌های بی‌سرپرست یا بدسرپرست، روستاییان و بیماران مبتلا به ایدز خدمات ارائه می‌دهند. شایان ذکر است که در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه خدمات مددکاری اجتماعی اغلب توسط دولت‌ها و حکومت‌ها و ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به آن‌ها ارائه می‌شود.

۳-۱. تعریف مددکاری اجتماعی اسلامی

مددکاری اجتماعی اسلامی رویکردی نوین و جامع است که با تلفیق اصول و مبانی مددکاری اجتماعی معاصر و آموزه‌های اسلام به دنبال ارائه راهکارهای اثربخش و پایدار برای بهبود کیفیت زندگی افراد و جوامع است. این رویکرد ضمن حفظ اشتراک‌های اساسی با سایر رویکردهای مددکاری اجتماعی معاصر یعنی موضوع و اهداف نظری، در سایر مؤلفه‌های شکل‌دهنده دانش مانند اهداف کاربردی و روش و نظایر آن مبتنی بر مبانی اسلامی شکل گرفته است. تحفظ بر موضوع و اهداف نظری در تمامی رویکردهای مددکاری اجتماعی ضروری است؛ چراکه در صورت نپذیرفتن آن، سخن از دو حرفه متفاوت به میان می‌آید. به دیگر سخن اشتراک رویکردهای مددکاری اجتماعی در موضوع و اهداف نظری است. در فرایند پژوهش، ترمیم موضوع و دقت در انتخاب واژگان نیز امکان دارد؛ برای نمونه، در رویکردی پس از بررسی اهداف نظری مددکاری اجتماعی، پژوهشگر به این باور برسد که موضوع «مشکل» و

«نیاز» دقت کافی برای رسیدن به اهداف مددکاری اجتماعی را ندارد و باید از عبارت بهتری برای آن استفاده کرد یا بالعکس با بررسی موضوع بخشی از اهداف را کم یا زیاد کند؛ اما نکته مهم آن است که قوام مددکاری اجتماعی با این تغییر از بین نرود. به بیان دیگر حفظ ثبات در موضوع و اهداف نظری در تمامی رویکردهای مددکاری اجتماعی امری ضروری است؛ چراکه تغییر در این دو مؤلفه به معنای تعریف رشته‌ای جدید خواهد بود. با این حال امکان تغییرات جزئی در مفاهیم و اصطلاحات سازه موضوع این حرفه یا اولویت‌بندی و تغییر جزئی اهداف نظری، در چارچوب جایگاه مددکاری اجتماعی در نظام کنش‌ها و بینش‌های علم (هندسه معرفتی)، وجود دارد. این تغییرات نباید ماهیت بنیادین مددکاری اجتماعی را که به موضوع و اهداف نظری آن گره خورده است، زیر سؤال ببرد.

مددکاری اجتماعی اسلامی دو رکن اساسی دارد: اول آنکه نوعی مددکاری اجتماعی است که برای این مهم باید با موضوع و اهداف نظری مددکاری اجتماعی معاصر هم‌نوا باشد؛ دوم آنکه مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی شکل گرفته است. این رکن بیانگر دو نکته است: اول، آنچه از آن به رئوس ثمانیه علم یاد می‌شود، در مددکاری اجتماعی، غیر از موضوع و اهداف نظری، باید براساس اسلام باشد؛ دوم، گزاره‌های این رویکرد از فلسفه، مبانی نظری، مبانی کاربردی، اصول، ارزش‌ها و روش‌ها موافق اسلام است نه آنکه صرفاً با آموزه‌های دینی مخالفی نداشته باشد.

تفصیل دقیق معنای مددکاری اجتماعی معاصر و مؤلفه‌ها و تفاوت‌های آن با سایر رویکردهای مددکاری اجتماعی از حوصله و موضوع این پژوهش خارج است و در مباحث فلسفه مددکاری اجتماعی اسلامی به‌خوبی از آن بحث شده است.

۴-۱. تعریف مبانی

واژه «مبنا» که ریشه در زبان عربی دارد، به معنای «پایه» و «بنیاد» و «زیرساخت» است. در زبان انگلیسی معادل‌هایی همچون foundation و fundamental برای آن به کار می‌روند که به ترتیب به مفاهیمی مانند «اساس» و «پایه» و «بنیادی» اشاره می‌کنند. در علوم انسانی و اجتماعی «مبنا» بیانگر اصول بنیادین و پیش‌فرض‌هایی است که هر نظام فکری یا نظریه یا حرفه‌ای بر آن استوار است. این مفهوم نقشی محوری در هدایت مسیرهای علمی و عملی ایفا

می‌کند و همواره بستری برای تعریف اهداف و شناسایی روش‌های مناسب در حوزه‌های مختلف دانش فراهم می‌آورد.

در مددکاری اجتماعی اسلامی مبانی نظری^۱ و کاربردی^۲ به‌عنوان دو سطح مکمل و درهم‌تنیده، بنیان فکری و عملی این حرفه را تشکیل می‌دهند. مبانی نظری به مفروضات و اصول فلسفی و چارچوب‌های نظری اطلاق می‌شود که زیرساخت تفکر مددکار اجتماعی را تشکیل می‌دهند و بر تمامی جنبه‌های حرفه‌ای وی از تحلیل نیازها گرفته تا طراحی و اجرا و ارزیابی مداخلات تأثیر می‌گذارد؛ اما در ادبیات حرفه‌ای مددکاری اجتماعی واژه «مبانی»، در قریب به اتفاق موارد، مترادف با «مبانی کاربردی» به کار رفته است و به‌صورت خاص برای اشاره به تاریخچه، اصول، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رویکردها و مباحثی نظیر آن استفاده می‌شود؛ لذا اثر پیش رو که به بررسی گرایش‌ها و رویکردها، اصول، ارزش‌ها، مهارت‌ها و چالش‌های مددکاری اجتماعی می‌پردازد، در حقیقت اثری در حوزه «مبانی مددکاری اجتماعی» به شمار می‌آید. به‌رغم اهمیت هم‌زمان این دو مقوله، آنچه در مددکاری اجتماعی غالباً مغفول مانده است، توجه جامع و نظام‌مند به پیوند مبانی با جنبه‌های کاربردی و اقدامات مددکاران است. بسیاری از جوامع، به‌ویژه آن‌هایی که تحت تأثیر جریان‌های پوزیتیویستی و تجربه‌گرایی افراطی قرار دارند، بیشتر به ابزارها و روش‌های کمی قابل اندازه‌گیری تمایل نشان می‌دهند و از مباحث فلسفی و نظری غفلت کرده‌اند. در چنین وضعیتی مددکاری اجتماعی به‌جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های گسترده مبانی برای تحلیل دقیق‌تر مسائل و طراحی مداخلاتی خلاقانه، در چارچوب‌های محدودی گرفتار شده است که انعطاف‌پذیری لازم را ندارد.

۵-۱. نسبت مبانی و سایر بخش‌ها در مددکاری اجتماعی اسلامی

فلسفه مددکاری اجتماعی مانند نقشه راهی است که جهت‌گیری و مسیر مددکاری اجتماعی را مشخص می‌کند و نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این حرفه ایفا می‌کند. فلسفه مددکاری اجتماعی به‌عنوان زیربنای نظری این حرفه، چارچوبی مفهومی برای درک ماهیت دقیق این رشته و جایگاه آن در نظام و هندسه معرفتی علم مشخص می‌کند.

1. Theoretical foundations / Theoretical framework.

2. Applied foundations.

مبانی نظری مددکاری اجتماعی مبتنی بر فلسفه این حرفه شکل و قوام می‌یابد. مبانی‌ای که پژوهش پیش رو سعی کرده است در وسع خود ابعاد آن را در مددکاری اجتماعی اسلامی تبیین و روشن کند.

پس از گذار از دو مرحله پیشین یعنی فلسفه و مبانی نظری مددکاری اجتماعی، مبتنی بر اینها، مبانی کاربردی این حرفه شامل اهداف کاربردی، اصول، ارزش‌ها، روش‌های مداخله و تحقیق شکل می‌گیرد و تبیین می‌شود. به بیان دیگر مبانی نظری استخراج شده از فلسفه مددکاری اجتماعی به عنوان پایه و اساس برای تدوین اصول و ارزش‌ها و روش‌های مددکاری اجتماعی عمل می‌کند. اصول مددکاری اجتماعی قواعد کلی و اساسی‌ای هستند که براساس آنها مددکاران اجتماعی مداخلاتی خود را طراحی می‌کنند؛ ارزش‌های مددکاری اجتماعی باورهای بنیادی‌اند که بر رفتار مددکاران اجتماعی تأثیرگذارند و ابزارها و تکنیک‌هایی که برای کمک به افراد و جوامع استفاده می‌شوند، روش‌های مددکاری اجتماعی نام دارند.

در نتیجه می‌توان چنین گفت که فلسفه مددکاری اجتماعی نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این حرفه ایفا می‌کند. این فلسفه با ارائه چارچوبی مفهومی، جهت‌گیری کلی مددکاری اجتماعی را تعیین می‌کند و بر تمامی ابعاد آن تأثیرگذار است. نمود این تأثیر در ایجاد شبکه‌ای مستحکم و منسجم از مبانی نظری است که انتخاب آن، بر اصول و ارزش‌ها و روش‌های مددکاری اجتماعی تأثیرگذار است و در نهایت بر نوع مداخلات و نتایج حاصل از آن مؤثر خواهد بود. باید توجه داشت نظریه‌ها و رویکردها که در مباحث آینده به خوبی تبیین خواهند شد، در این فرایند نقش واسطه بین این دو مبنا ایفا می‌کنند. تصویر زیر به خوبی مراحل مختلف این تأثیرگذاری و جایگاه مبانی نظری در مددکاری اجتماعی اسلامی را نشان می‌دهد.



همان‌طور که در هر علم و حرفه علمی، مبانی نقش راهنما و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری روش‌ها و یافته‌ها ایفا می‌کنند، در حوزه مددکاری اجتماعی نیز مبانی اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. همان‌گونه که رویکرد روان‌کاوی بر مبنای فرض وجود ناخودآگاه شکل گرفته است و تمامی یافته‌های آن بر این فرض استوار است، مددکاری اجتماعی اسلامی نیز بر پایه آموزه‌های دینی و انسانی اسلام استوار است. بی‌تردید انتخاب مبانی صحیح در مددکاری اجتماعی تأثیر مستقیمی بر نوع مداخلات و کیفیت خدمات و در نهایت بهبود وضعیت مددجویان خواهد داشت. به بیان دیگر مددکاری اجتماعی به‌عنوان یکی از حرفه‌های برخواسته از علوم انسانی و اجتماعی، برای ارائه خدمات مؤثر و هدفمند به افراد و جوامع نیازمند مبانی قوی و جامعی است. در این میان مبانی اسلامی با توجه به عمق و گستردگی آموزه‌های آن، چارچوب ارزشمندی برای مددکاری اجتماعی فراهم می‌آورد. همان‌گونه که هر ساختمانی براساس نقشه مهندسی دقیقی بنا می‌شود، مداخلاتی مددکاری اجتماعی نیز نیازمند چارچوبی روشن و منسجم هستند. مبانی اسلامی با ارائه دیدگاهی جامع براساس منابع اسلامی مانند نقشه راه برای مددکاران اجتماعی عمل می‌کند.

تأمین نیازهای روانی و اجتماعی جامعه، تقویت هویت اسلامی، توسعه دانش بومی، تکمیل و غنی‌سازی دانش مددکاری اجتماعی و همچنین ارتقای جایگاه آن با ارائه چارچوبی قوی و جامع ازجمله عواملی است که اهمیت و ضرورت بحث از مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی را یادآوری می‌کنند.

با وجود اهمیت مبانی اسلامی در مددکاری اجتماعی که به جلوه‌هایی از آن اشاره شد، چالش‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد، ازجمله این چالش‌ها کمبود مطالعات و پژوهش‌های علمی در این حوزه و نبود یکپارچگی در مبانی ارائه‌شده و مقاومت در برابر پذیرش رویکردهای جدید است. برای رفع این چالش‌ها نیازمند انجام پژوهش‌های گسترده و برگزاری نشست‌های علمی و ایجاد گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای هستیم که این مسئله نیز خود بر اهمیت و ضرورت این مهم بیش از پیش می‌افزاید؛ لذا بحث درباره مبانی اسلامی در مددکاری اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی و روانی، نیاز به رویکردهایی جامع و مبتنی بر مبانی اسلامی که بر پایه واقعیت‌ها و قوانین ثابت خلقت و هم‌سو با فطرت بشری است، بیش از پیش احساس می‌شود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بتواند نقش مؤثری در تحقق اهداف مددکاری اجتماعی ایفا کند.

۷-۱. اهداف بررسی مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی

از بررسی اجمالی رویکردهای عمده در مددکاری اجتماعی و مبانی آن‌ها به دست می‌آید که یافته‌ها در هر کدام از رویکردها کاملاً تابع مبانی آن‌ها هستند؛ به‌طوری که مثلاً رویکرد روان‌دینامیک در مددکاری اجتماعی بر فرض وجود ناخودآگاه و تأثیر گذشته بر حال استوار است، در صورتی که چنین فرضی به هر نحو پذیرفته نشود، همه یافته‌های این رویکرد زیر سؤال خواهد رفت. رابطه مددکاری اجتماعی و یافته‌های علمی با مبانی، همانند رابطه میوه‌ها با شاخه‌ها و ریشه‌های درخت است، میوه‌ها همواره تابع ساختار و ماهیت ریشه و تنه درخت هستند؛ به بیان دیگر همان‌گونه که از ریشه و تنه درخت نخل میوه سیب حاصل نمی‌شود، از مبانی نظری روان‌دینامیک نیز نمی‌توان به یافته‌های خاص رویکرد رفتاری دست یافت. مبانی هر علم نقش زیربنایی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رویکردها و دستاوردهای علمی آن ایفا می‌کنند؛ بنابراین اگر علمی بر پیش‌فرض‌های نادرست بنا شود، یافته‌ها، روش بررسی، مسائل مورد بحث آن علم و راهکارهای عملی آن از صحت و اعتبار بی‌بهره‌اند. همان‌طور که در بخش ضرورت بحث از مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی اشاره شد، تا قبل از ظهور رویکردهای علمی مدرن در مددکاری اجتماعی، بسیاری از مددکاران بر این باور بودند که مشکلات اجتماعی ناشی از ضعف اخلاقی افراد است. این پیش‌فرض هستی‌شناختی و انسان‌شناختی مداخلاتی را به دنبال داشت که بر اصلاح اخلاقی افراد متمرکز بود؛ اما با ظهور رویکردهای جدید مشخص شد که مشکلات اجتماعی ریشه‌های پیچیده‌تری دارند و نیازمند مداخلاتی فراتر از اصلاح فردی هستند. این نشان می‌دهد که مبانی نظری در مددکاری اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مداخلات و در نهایت تأثیرگذاری بر زندگی افراد دارند. انتخاب مبانی نامناسب می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای ناکارآمد و حتی مضر شود. با فرض این توضیحات، اهداف بحث از مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱-۷-۱. اهداف کلان

- شناسایی و تبیین مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی براساس مبانی اسلامی.
- بررسی تطبیقی مبانی مددکاری اجتماعی اسلامی با رویکردهای موجود در این حوزه.
- ارائه چارچوبی جامع و یکپارچه برای مددکاری اجتماعی مبتنی بر مبانی اسلامی.